

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۰۵ مارچ ۲۰۲۰



اعلامیه:

## توافقنامه صلح امریکا و طالبان معاهده ایست ننگین و اسارت آور!

نزده سال آزرگار است که امپریالیسم اشغالگر امریکا و شرکاء در کشور اشغال شده ما مصروف اشغالگری، سلب استقلال و حاکمیت ملی، ستم، کشتار، ویرانگری و غارت منابع کشور ما بوده و مزید بر نیرو های اشغالگر، دهاره هائی از خودفروختگان ستمگر و غارتگر تکنوکراتی و اخوانی بومی را بر مقدرات مردم ما و برای مکیدن خون ستمکشان و تاراج داشته های وطن ما حاکم ساخته اند. در ادامه این تجاوز و تعدی، سرانجام پس از حدود یک و نیم سال مذاکره بر اساس دیپلماسی پنهان با مخلوق خودساخته خود "طالبان"، به تاریخ دهم حوت ۱۳۹۸ ش/ ۲۹ فبروری ۲۰۲۰م نماینده امپریالیسم امریکا (زلمی خلیل زاد) در نقش "کیوناری ثانی" توافقنامه استعماری و اسارت آوری را با نماینده طالبان خودفروخته امضاء کرد؛ معاهده تحمیلی که در تاریخ کشور ما در ردیف معاهدات ننگین تحمیلی کهن استعماری پارینه توسط امپریالیسم انگلیس با امیران دست نشانده آن قدرت کهن استعماری، جایگاه خود را می یابد.

متن کامل و کلیه مفاد این توافقنامه از مردم افغانستان، مردم امریکا و مردمان جهان و حتی از بخش غیراطلاعاتی دولت امریکا پنهان نگه داشته شده و صرف چهار بند آن رسانه ای شده است. هر چهار بند این توافقنامه مشروط است و در عین این که به ختم اشغال امپریالیستی وطن ما نخواهد انجامید، بلکه طبق ادعای ترمپ، در صورت تخلف طالبان از " آنچه را که در مذاکره ها وعده داده اند"، " نیرو های امریکائی با سرعت و با قدرتی که هنوز دیده نشده است، به افغانستان بر خواهند گشت". این یعنی ادامه اشغال و یا اشغال مجدد افغانستان.

طبق این توافقنامه ننگین مزدوران طالب با اشغالگران امریکائی، نیرو های متجاوز امریکا - ناتو در کشور ما ابتداء کاهش یافته و سپس در حدود ۱۴ ماه کشور ما را ترک خواهند گفت. حتی در صورتی که مفاد این توافقنامه بدون موانع، اجرائی شود(به دلیل مشروط بودن این معاهده، دست امریکائی اشغالگر باز بوده و عملی شدن آن محل تردید دارد)، باز هم مزدوران طالب با تمکین در برابر ادامه اشغال چهارده ماهه کشور شان توسط نیرو های اشغالگر، خیانت ملی جدیدی را مرتکب شده اند.

امپریالیسم غدار امریکا برای اطمینان از تداوم سلطه اش بر کشور ما و ادامه حضور فعال و تحرکاتش برای تحقق ستراتیژی منطقه ئی اش در قبال آسیای میانه، در عین بازی با برگ برنده "صلح" که مصرف داخلی و انتخاباتی برای ترمپ و حزیش دارد، در طی شش ماه اخیر دو جریان و تحرک موازی را در کشور ما به موازات هم پیش برد: انجام مذاکره در دوحه با مولود طالبی و درامه مسخره و افتضاح آمیز "انتخابات" مهندسی شده در دائره دولت مزدور خیانت ملی در کابل که سرانجام، "انتخابات" از زمان تدارک تا روز رأی گیری و اعلام نتیجه توأم با تأخیر چند ماهه و نزاع جناحی ناشی از آن، در خدمت "مذاکره" با طالبان مدیریت شد.

طالب یک نیروی مافوق ارتجاعی و خودفروخته و مولود آمیزش امپریالیسم و ارتجاع است که نطفه خبیثه اش در زهدان ارتجاع منطقه بسته شد و از همان بدو امر در خدمت منافع آزمندانة استعماری - ارتجاعی چندی بوده و تا امروز همچون ابزاری منفعل وسیله جنگ نیابتی طرف های استعماری - ارتجاعی بوده و تعهداتی در قبال منافع پلید بیگانگان متجاوز و آزمند در کشور ما دارد. این بار سناریوی برگشت طالبان، همسان سناریوی ایجاد این گروه در ورای مرز های جنوبی و شرقی کشور ما در سال ۱۹۹۴م است. در سناریوی اول، هنگام ایجاد و قدرت گیری طالبان در خلاء پس از شکست متجاوز روسی و دول اقمارش، حرکت از جنوب به سمت شمال بود و نقش آفرینان اصلی، امپریالیست های مهاجم امریکا، انگلیس و دول اروپائی، عربی و پاکستانی بودند. اما در سناریوی فعلی، در شریک ساختن طالبان در قدرت پوشالی و یا سپردن قدرت پوشالی به این گروه، امپریالیسم امریکا یگانه بازیگر بی رقیب این سناریو نبوده و خلاف سناریوی اول، علاوه از دول امپریالیستی امریکا - ناتو، دولت آزمند پاکستان و ارتجاع عرب؛ برای دول امپریالیست روسیه، چین و رژیم مرتجع و توسعه طلب حاکم بر ایران نیز نقشی در نظر گرفته شده است.

گروه طالبان از زمان ایجادش تا امروز در نقش یک نیروی خودفروخته ارتجاعی به دستور بیگانگان مغرض علیه منافع علیای ملی عمل کرده و بر مردم این کشور ستم چند لایه اعمال داشته است. یک چنین نیروئی، ستمگر، قرون وسطائی، زن ستیز و ضد دانش، نه حمایت مردم افغانستان را که زنان نیمه آن اند، دارد و نه می تواند در نقش قیم آنان با اشغالگران وارد مذاکره شود. امضای توافقنامه طالبان با امریکای اشغالگر، نه برای حل تضاد عمده جامعه اشغالی ما، بلکه برای حل تضاد "بود و نمود" طالبان صورت گرفته است. مزدوران طالب که تا حال تظاهر به "ضد اشغال بودن" می کردند، با امضای توافقنامه ننگین و تسلیمی علنی این گروه به آفریدگار امریکائی شان و آتش بس با آن اشغالگر، در عین این که مرتکب خیانت ملی می شوند، آشکارا در صف نیرو های متجاوز اخذ موقع کرده و "نمود" واقعی شان را علنی می سازند. تضاد عمده جامعه اشغالی ما تا حضور آخرین سرباز اشغالگر امپریالیسم، تضاد بین اشغالگران و ایادی بومی شان (به شمول طالب) و اشغال شده ها، عینیت خود را حفظ کرده و خواست آزادی ملی کماکان به مثابه خواست عمده جامعه اشغال شده ما باقی می ماند.

هر گونه طرح شریک ساختن طالبان در قدرت پوشالی و یا طرح سپردن آن به این گروه زیر بیرق اشغالگران، نه به صلح پایدار مورد نیاز توده های تحت ستم خلق ما و حتی نه به صلح دوامدار تحمیلی استعماری - ارتجاعی خواهد انجامید، زیرا هم طالبان و هم نیرو های فئودالی - کمپرادوری حاضر در دولت مزدور کابل و حواشی آن، در عین وابستگی برده وار و کامل به اشغالگران امریکائی - ناتوئی، همزمان به چندین مرکز استعماری - ارتجاعی وابسته اند و در قبال خواست های آزمندانة آن مراکز و حامیان بیرونی خویش تعهدات و الزاماتی دارند. بناء، دست یافتن به اجماع کامل به گونه ای که هر یکی از این قدرت های خرد و بزرگ بیرونی از دریافت سهم شان از تاراج ثروت های کشور ما و نقش آفرینی خود در عرصه سیاسی افغانستان پامال شده راضی باشند، محال به نظر می رسد. در چنین سناریویی، ادامه یا از سرگیری رقابت های امپریالیستی - ارتجاعی در افغانستان لگدمال شده، در اشکال خونین و

ویرانگر نظامی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی با کلیه تبعات هستی براندازش برای کشور ما و توده های مظلوم آن، خیلی محتمل است.

مضاف بر این، با توجه به دیپلماسی پنهان و تحرکات اطلاعاتی دولت و سازمان های اطلاعاتی امریکا و توافق پشت پرده با سازمان های استخباراتی منطقه مثل "آی اس آی" پاکستان، معاهده صلح و آتش بس امریکائی - طالبی به معنای تحقق صلح نیست و رخ دیگری هم دارد. توجیه حضور فعال نظامی - استخباراتی امپریالیسم امریکا در افغانستان و منطقه نیاز به نامنی و بی ثباتی افغانستان دارد. میزبانان پاکستانی طالب می توانند من بعد در هماهنگی با دستگاه های نظامی و اطلاعاتی امریکا میزبان گروه داعش و یا گروه های تازه ایجاد شده دیگر بوده و از آن پشت جبهه آن نیرو های تروریست و آشوبگر را به شمال و فرارود برای ایجاد تشنج، آشوب و جنگ گسیل بدارند.

عدم مداخله ادعائی امریکا در امور داخلی افغانستان، تعهد جدی نیست و اگر هم اتفاق بیفتد، نه به مفهوم مثبت آن یعنی سپردن تعیین سرنوشت و انتخاب نوع نظام و طرح سیاست ها مطابق به منافع و صوابدید قاطبه مردم افغانستان؛ بلکه به مفهوم منفی آن، یعنی باز گذاشتن دست حاکمان پوشالی و ستمگر بعدی متشکل از اخوانی های طالبی - جهادی و کمپرادور های غدار و غارتگر قدیم و جدید به اضافه زوائد مدنی - تسلیمی استعمار، برای تحمیل رژیم مرتجع و ستمگر وابسته، وضع قوانین منسوخ قرون وسطائی، استبداد و کشتن دموکراسی نیم بند وارداتی، نقض حقوق بشر، سلب رسمی حقوق زنان، تعیین نصاب تعلیمی ارتجاعی برای مکاتب و دانشگاه های کشور، سلب آزادی های مدنی شهروندان، سرکوب خواسته های مدنی، صنفی، اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان، سرکوب آزادیخواهان، تاراج و فروش داشته های وطن، نقض میثاق های بین المللی از جمله کنوانسیون های جینوا و منشور ملل متحد، باز گذاشتن دروازه های کشور به روی سرمایه و کالای مهاجم بیرونی، ستم بر زحمتکشان مولد، استثمار نیروی کار و... خواهد بود.

توحید ارتجاع فئودال - کمپراوری به اشتراک طالبان و یا به سرپر حاکمیت پوشالی نشانیدن این گروه شریب مرتجع توسط امپریالیست های اشغالگر وطن ما و هر گونه دولتی برخاسته از این روند؛ حتی اگر به رویارویی نظامی هم منجر نشود، به تحکیم استبداد و ایجاد فضای ترور، خفقان و تخویف در کشور خواهد شد. در یک چنین نظام و جو استبدادی در موقعیت مستعمراتی یا نیمه مستعمراتی کشور؛ توده های زحمتکشان، زنان، جوانان متعلم و محصل اعم از دختر یا پسر، معلمان و دانشگاہیان، نیرو های مدافع ارزش های راستین روشنفکری، دموکرات ها، انقلابیون راستین، مدافعان برابری زنان و تمامی نهاد ها و ذوات آزادیخواه کشور ما آماج این سیاست های ناشی از قدرت گیری ارتجاع اخوانی و سلطه سرکوبگر ارتجاعی - استعماری واقع خواهند شد.

از منظر ملی و اجتماعی، وطنفروشان و جنایتکاران اخوان جهادی، دلال های خودفروخته تکنوکرات به شمول دولت خیانت ملی "غنی - عبدالله" و منتظرالوزاره های زیرخرد طالبی همه بدون استثناء در صف امپریالیسم به حیث دشمنان سوگند خورده مردم آزادی دوست، ولی تحت ستم افغانستان و در نقش پایه اجتماعی استعمار، تا امروز با سرشتی یکسان به قیمت خیانت ملی در خدمت تجاوز و اشغالگری امپریالیست های جنایتکار و مطامع پلید استعماری آنان قرار داشته و من بعد نیز با حفظ همسرشتی و پیوند تاریخی با امپریالیسم و ارتجاع جهانی، در خدمت منافع آنان قرار خواهند گرفت.

در مقطع جاری تحت اشغال بودن کشور ما، دفع تجاوز امپریالیستی، حصول رسمی و عملی استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور؛ وجیهه تخطی ناپذیر ملی نیرو های سالم ملی - انقلابی و قاطبه مردم افغانستان است. با این دورنما، پیشبرد مبارزه مشترک هماهنگ و آگاهانه در راه نیل به آزادی ملی، عدالت و ترقی اجتماعی و ایجاد جامعه

نوین فردا بر ویرانه های امپریالیسم و ارتجاع در افغانستان آزاد؛ رسالت انقلابیون پیشرو و سائر آزادیخواهان مترقی و توده های آگاه کشور است. تاریخ درنگ نمی پذیرد و همپای آن، مبارزات ستمکشان علیه ستمگران بنا بر ضرورت تا نیل به آن سرمنزل آزادی همه جانبه، ادامه می یابد.

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) تدارک ابزار ها و تعیین ستراتیژی و تاکتیک های چنین مبارزه ای را امر مشترک نیرو های انقلابی پیشرو، ملی و دموکرات کشور می داند و حاضر است تا برای دست یافتن به چنین ابزار مبارزه آزادیبخش و انقلابی، دست نیرو های همسوی پیشرو و آزادیخواه کشور را در دو سطح انسجام پیشآهنگ و انسجام ملی، صمیمانه فشرده و گام های مشترکی را با آنان در این راستا بردارد.

بریده باد زبانی که در برابر توطئه های امپریالیستی - ارتجعی در کشورش، خاموش بماند!

توطئه مشترک امریکا - طالب در حق کشور و مردم ما محکوم است!

صلح تحمیلی استعماری - ارتجعی، **نه!** صلح پایدار شرافتمندانه، **آری!**

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

یا مرگ یا آزادی!

**سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)**

۱۴ حوت ۱۳۹۸ش / ۰۴ مارچ ۲۰۲۰م